

# متن کامل دعای کمیل

به همراه ترجمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ**

خداوندا، از تو مسئلت دارم، به حق رحمت که همه چیز را فرا گرفته است

**وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ**

و به نیرویت که با آن تمام موجودات را مقهور خویش ساختی

**وَوَخَّضَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ**

و همه چیز در برابر آن سر تسلیم فرود آورده است

**وَدَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ**

و در مقابل آن هر چیزی ذلیل و خوار گشته است

**وَبَجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ**

و به جبروتت که با آن بر همه چیز چیره گشتی

**وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ**

و به عزتت که چیزی در برابرش تاب نیاورد

**وَبِعِظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ**

و به عظمت و بزرگی ات که همه چیز را پر کرده است

**وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ**

و به پادشاهی ات که بر همه چیز برتری یافته

**وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ**

و به وجه و سیمای تو که پس از نابودی همه چیز، باقی خواهد بود

**وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ**

و به اسماء تو که ارکان هستی اند و همه چیز را پر کرده است

**وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ**

و به علمت که بر همه چیز احاطه نموده

**وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ**

و به نور وجهت که هر چیزی به وسیله آن، تابنده شده است

**يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ**

ای نور، و ای همه قداست و پاکی

**يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ**

ای ابتدای هر آغاز، و ای فرجام هر پایان

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ**

خداوندا، بر من ببخش گناهایی را که پرده عصمت را پاره می کند

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّقْمَ**

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که بلا و کیفرها را فرو می آورد

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُعَيِّرُ النَّعَمَ**

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که نعمت‌ها را دگرگون می سازد

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ**

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که دعا را [از اجابت] باز می دارد

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ الْبَلَاءَ**

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که بلا نازل می کند

**اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ**

خداوندا، هر گناہی را که مرتکب شده‌ام، بر من ببخش

**وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا**

و هر خطایی را که از من سر زده است، ببخش

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ**

خدایا، من با یاد تو، به سویت تقرب می جویم

**وَأَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ**

و تو را برای خودت شفیع می آورم

**وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ**

و به حق ببخشندگی ات، از تو می خواهم که مرا به خودت نزدیک گردانی

**وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ**

و شکرگزاری ات را روزی ام سازی

**وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ**

و یادت را به من الهام فرمایی

**اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَدَلِّلٍ خَاشِعٍ**

خدایا، از تو درخواست می کنم، درخواست بنده‌ای فروتن، ذلیل و خاکسار

**أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي**

که بر من آسان گیری و رحم نمایی

**وَتَجْعَلَنِي بِقَسَمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا**

و مرا به آنچه روزی ام نموده‌ای راضی و قانع سازی

**وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا**

و در هر حالی فروتن گردانی

**اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ**

خداوندا، از تو درخواست می کنم، درخواست بنده‌ای که تنگدستی و نیازش شدید شده است

**وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ**

و به هنگام سختی‌ها، حاجت خود را به آستان تو آورده

**وَعَظَمَ فِيمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ**

و رغبتش به آنچه نزد توست، زیاد شده است

**اللَّهُمَّ عَظَمَ سُلْطَانُكَ**

خداوند، سلطنت و فرمانروایی ات بزرگ است

**وَعَلَا مَكَانُكَ**

و مقامت بسیار بلند است

**وَحَفِي مَكْرُكَ وَظَهَرَ أَمْرُكَ**

و مکرّت پنهان است و امرت آشکار

**وَعَلَبَ قَهْرُكَ وَجَرَّتْ قُدْرَتُكَ**

و قهاریتت غالب است و قدرتت نافذ

**وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ**

و گریز از قلمروی حکومتت ممکن نیست

**اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِدُنُوبِي غَافِرًا**

بارالها، جز تو کسی را نمی‌یابم که گناهام را ببامزد

**وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا**

و جز تو کسی را نمی‌یابم که زشتی‌هایم را بپوشاند

**وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرِكَ**

و جز تو کسی را نمی‌یابم که کار ناپسندم را به زیبایی تبدیل نماید

**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ**

جز تو معبودی نیست! پاک و منزهی، و این تسبیح همراه با حمد و ستایش توست

**ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي**

من به خود ستم روا داشتم، و به خاطر نادانی، گستاخی کردم

**وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنْكَ عَلَيَّ**

اما خاطر آسوده‌ام که همیشه به یاد من بودی و بر من لطف و احسان می‌فرمودی

**اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ**

ای خدا و ای مولای من، چه بسیار زشتی‌ها که بر من پوشاندی

**وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ**

و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من دفع کردی

**وَكَمْ مِنْ عَثَارٍ وَقَيْتَهُ**

و چه بسیار لغزش‌ها که مرا از آن‌ها حفظ کردی

**وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ**

و چه بسیار امور ناخوشایندی که از من دور ساختی

**وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشْرَتَهُ**

و چه بسیار تمجیدهای نیکی که سزاوار آن نبوده‌ام، ولی تو بر سر زبان‌ها انداختی!

**اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي**

خداوندا، بلا و گرفتاری‌ام شدید شده

**وَأَفْرَطَ بِي سُوءَ حَالِي**

و بدحالی‌ام از حد گذشته

**وَقَصُرْتُ بِي أَعْمَالِي**

و کردارم [در رساندن من به هدف] نارسا گشته

**وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي**

و زنجیرها [ی تعلقات] مرا زمین‌گیر کرده

**وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي**

و آرزوی دور و دراز، مرا از رسیدن به منفعتم باز داشته است

**وَوَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِعُزُورِهَا**

و دنیا با فریبندگی‌اش مرا فریفته است

**وَنَفْسِي بِجَنَائِئِهَا وَمَطَالِي**

و نفسم با جنایت و امروز و فردا کردنش، مرا فریب داده است

**يَا سَيِّدِي فَاسْأَلْكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي**

پس ای آقای من، به عزتت قسم، از تو می‌خواهم که بدیِ کردارم، مانع [پذیرش] دعای من از درگاه تو

نشود

**وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي**

و مرا با آنچه از اسرار نهانم می‌دانی رسوا مسازی

**وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي خُلُوتِي**

و در کیفر آنچه در خلوت‌هایم انجام داده‌ام، شتاب نکنی

**مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي**

از زشتی کردار و بدی رفتارم

**وَدَوَامِ تَفَرُّطِي وَجَهَالَتِي**

و مداومت در کوتاهی و جهالتم

**وَكثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي**

و بسیاری شهوت‌ها و غفلتم

**وَكَئِنَّ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا**

خدایا، به عزتت سوگند که در همهٔ احوال با من رئوف و مهربان باش!

**وَعَلَىٰ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا**

و در همه امور بر من باعظوفت باش

**إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ**

ای خدا و پروردگار من، به جز تو چه کسی را دارم؟!

**أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي**

که از او بخواهم گرفتاری ام را برطرف کند و در کار من نظر [لطف] بیندازد

**إِلَهِي وَمَوْلَايَ**

ای خدا و ای مولای من

**أَجْرِيَّتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَىٰ نَفْسِي**

حکمی را بر من جاری ساختی که در آن از هوای نفسم پیروی کردم

**وَلَمْ أَحْتَرَسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي**

و مواظب دشمنم (شیطان) نبودم که [اعمال زشتم را] زینت می داد

**فَغَرَّبَنِي بِمَا أَهْوَىٰ**

پس او هم مرا به خواهش های دلم فریب داد

**وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ**

و تقدیر نیز او را در این امر یاری نمود

**فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ**

و به سبب این مسائل، از بعضی از حد و مرزهای تو تجاوز کردم

**وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ**

و با بعضی از دستورات تو مخالفت نمودم

**فَأَنَّكَ الْحُجَّةَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ**

پس در همه آن مسائل، تو علیه من حجت داری

**وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَىٰ عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ**

و در آنچه قضای تو بر آن تعلق گرفته، من حجتی ندارم

**وَأَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ**

و حکم و آزمایش تو مرا به آن مقید کرده است

**وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي**

اینک ای خدای من، بعد از کوتاهی ام، و ستمی که بر جان خویش انجام دادم، به پیشگاه تو آمده ام

**مُعْتَذِرًا نَادِمًا**

در حالی که عذرخواه و پشیمانم

**مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا**

و شکسته دل و طالب بخشش هستم

**مُسْتَعْفِرًا مُنِيبًا**

و استغفار کننده و بازگشت کننده‌ام

**مُقَرَّأً مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا**

و [به گناه خویش] اقرار و اذعان دارم و اعتراف می‌کنم

**لَا أُجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي**

و از آنچه از من سر زده، راه نجاتی نمی‌یابم

**وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي**

و برای مشکلم پناهگاهی نمی‌یابم که به آن پناه برم

**غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ**

جز اینکه عذرم را بپذیری و مرا در رحمت گسترده خود وارد کنی

**اللَّهُمَّ فَأَقْبَلْ عُذْرِي**

پس خداوندا، عذرم را بپذیر

**وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي**

و بر بیچارگی بسیارم ترحم فرما

**وَأُفْكِنِي مِنْ شِدَّةِ وَثَاقِي**

و مرا از بندهای سختم برهان

**يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي**

ای پروردگار من، بر ناتوانی جسمم رحم کن

**وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ عَظْمِي**

و بر نازکی پوستم و نرمی استخوانم ترحم فرما

**يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي**

ای کسی که در ابتدا مرا آفریدی و به یاد من بودی

**وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَعْذِيبِي**

و [از همان زمان] عهده‌دار تربیت و نیکی و تغذیه من بودی

**هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرَكَاتِكَ بِي**

حال، به همان سابقه کرم و احسان گذشته، مرا ببخش

**يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي**

ای معبود و آقا و پروردگار من!

**أَتُرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ**

آیا این گونه می‌بینی که مرا باوجود اقرار به یگانگی ات، به آتش عذاب می‌کنی؟!

**وَبَعْدَ مَا أَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ**

و پس از آنکه دلم از شناخت تو روشنی یافته است مرا می‌سوزانی؟!

**وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ**

و با وجود آنکه زبانم به ذکر تو گویا شده...

**وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ**

و با اینکه نهاد من با محبت تو گره خورده...

**وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ**

و بعد از آنکه صادقانه اعتراف کرده‌ام و تو را خوانده‌ام و در برابر ربوبیت خاضع بوده‌ام، مرا عذاب

نمایی؟!

**هَيْهَاتَ**

هیهات! بسیار بعید است!

**أَنْتَ أَكْرَمُ مَنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ**

تو بزرگوارتر از آنی که کسی را که خود پرورده‌ای، تباہ کنی!

**أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ**

یا کسی را که به خود نزدیک کرده‌ای، دور نمایی

**أَوْ تُشْرِدَ مَنْ أَوَيْتَهُ**

یا آن را که خود پناهِش دادی، از خود برانی

**أَوْ تُسَلِّمَ إِلَيَّ الْبَلَاءَ مِنْ كَفَيْتَهُ وَرَحْمَتَهُ**

یا کسی را که خود مورد حمایت و رحمت قرار داده‌ای، به امواج بلا واگذاری

**وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ**

ای آقا و معبود و مولای من!

ای کاش می دانستم...

**أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَى وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً**

... که آیا بر صورت‌هایی که در برابر عظمت بر خاک به سجده افتاده‌اند، آتش را مسلط می‌کنی؟!

**وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً وَبِشُكْرِكَ مَادِحَةً**

و بر زبان‌هایی که صادقانه به یگانگی‌ات گویا گشته‌اند و در شکرگزاری تو را ستوده‌اند؟!

**وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً**

و بر آن دل‌هایی که واقعاً به خداوندی‌ات اعتراف نموده‌اند؟!

**وَعَلَى ضَمَائِرٍ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً**

و بر آن جان‌هایی که سرشار از معرفت تو شده‌اند، تا آنجا که در برابرت فروتن گشته‌اند؟!

**وَعَلَى جَوَارِحٍ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَةً**

و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه به سوی عبادت‌گاه‌های تو شتافته‌اند و با اعتراف از تو آمرزش

طلبیده‌اند؟! [آیا همه این‌ها را می‌سوزانی؟!]

**مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ**

هرگز به تو چنین گمانی نداریم!



**وَلَا أُخْبِرُنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ**

و از فضل تو به ما چنین خبر نداده‌اند!

**يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ**

ای خدای سخاوتمند؛ ای پروردگار!

**وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا**

درحالی که تو خود از ناتوانی من در برابر کمی از بلای دنیا و کیفرهای آن، خبر داری!

**وَمَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا**

و ضعف مرا در برابر سختی‌هایی که در زندگی دنیا به مردم می‌رسد، می‌دانی!

**عَلَى أَنَّ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنُهُ يَسِيرٌ بِقَاوُهُ قَصِيرٌ مُدَّتُهُ**

با آنکه بلاهای دنیا درنگش کم، ماندگاری‌اش ناچیز و مدت‌ش کوتاه است

**فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟**

پس چگونه خواهد بود تحمل‌م در برابر بلای آخرت و ناملایمات عظیم آن؟!

**وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ وَيَدُومُ مَقَامُهُ**

در صورتی که آن بلایی است که مدت‌ش طولانی و درنگش دائمی است

**وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ**

و این عذاب برای اهل آن هیچ تخفیفی نخواهد داشت

**لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ**

چراکه از غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است

**وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ**

و این چیزی است که آسمان‌ها و زمین تاب تحمل آن را ندارند

**يَا سَيِّدِي**

ای آقای من!

**فَكَيْفَ لِي**

پس من چگونه در برابر آن تاب آورم؟!

**وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ**

در حالی که من بنده ناتوان و خوار و حقیر و بی‌نوا و درمانده تو هستم!

**يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ**

ای خدا و پروردگار و آقا و مولای من!

**لَأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو؟!**

از کدامین گرفتاری‌ام به درگاه تو شکوه کنم؟!

**وَلَمَّا مِنْهَا أَضْجُ وَأَبْكِي؟!**

برای کدام گرفتاری‌ام به درگاهت بنالم و گریه کنم؟!

**لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّتِهِ؟!**

از دردناک بودن عذاب و سختی آن؟!

**أَمْ لَطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ؟!**

یا از طولانی بودن بلا و درازی مدت آن؟!

**فَلَنْ صَبْرَتِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ**

پس اگر مرا در کیفرها با دشمنانت قرار دهی ...

**وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ**

و اگر مرا با اهل بلایت در یک جا گردآوری ...

**وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَانِكَ**

و اگر میان من و دوستان و اولیایت جدایی افکنی ...

**فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي**

پس ای خدا و آقا و مولا و پروردگار من!

**صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ**

گیرم که بر عذابت صبر کنم!

**فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟!**

ولی چگونه بر فراق تو شکیبا باشم؟!

**وَهَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ؟!**

و گیرم که گرمای سوزان آتش را تحمل کنم!

**فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ؟!**

اما چگونه تاب آورم که چشم امید به بزرگی ات نیندازم؟

**أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ؟!**

یا چگونه در آتش جهنم ساکن شوم و حال آنکه امید من به بخششِ توست؟!

**فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ**

پس ای آقا و مولای من!

**أُقْسِمُ صَادِقاً**

سوگندِ راست می خورم

**لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقاً**

که اگر زبانم را باز بگذاری

**لَأُضَجِّنَ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمَلِينَ**

واقعاً در میان اهل جهنم مانند آرزومندان، به پیشگاو تو ناله سر می دهم

**وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صَرَخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ**

و همچون فریادخواهان به درگاه تو فریاد بر آورم

**وَلَأُبْكِينَ عَلَيْكَ بِكَاءِ الْفَاقِدِينَ**

و مانند آنان که عزیزی از دست داده‌اند، از فراق تو بگریم

**وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ**

و تو را صدا می‌زنم که «کجایی ای پشت‌وپناه مؤمنان؟!»

**يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ**

ای نهایت آرزوی عارفان!

**يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ**

ای فریادرس فریادخواهان!

**يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ**

ای محبوب دل‌های صادقان!

**وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ**

و ای معبود جهانیان

**أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ**

ای معبود من که تو را می‌ستایم...

**تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتِ عَبْدٍ مُسْلِمٍ**

پس با تمام این‌ها، آیا این‌گونه می‌بینی که صدای بنده مسلمان را بشنوی...

**سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ**

... که به خاطر نافرمانی‌اش در دوزخ زندانی شده‌است؟!

**وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ**

و به کیفر گناهش، طعم عذاب جهنم را می‌چشد

**وَحُبْسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ**

و به خاطر جرم و گناهش، در میان طبقات دوزخ حبس شده‌است

**وَهُوَ يَضْحَكُ إِلَيْكَ ضَحِيحٌ مُؤَمِّلٌ لِرَحْمَتِكَ**

و او همچون امیدواران به رحمتت، به درگاہت ناله می‌زند

**وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ**

و با زبان اهل توحیدت تو را می‌خواند

**وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ؟!**

و به پیشگاه تو، به ربوبیت خودت متوسل شده و چنگ می‌زند

**يَا مَوْلَايَ**

ای سرور من!

**فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ؟!**

پس چگونه در عذاب ماندگار می‌شود، در حالی که به سابقه بردباری تو امید دارد؟!

**أَمْ كَيْفَ تَوْلِيَهُ النَّارَ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ؟!**

یا چگونه آتش او را آزار دهد، در حالی که فضل و رحمت تو را آرزو دارد؟!

**أَمْ كَيْفَ يَحْرِفُهُ لَهْبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ؟!**

یا چگونه زبانه‌های آتش، او را بسوزاند، در حالی که تو صدای [نالۀ] او را می‌شنوی و جایگاه او را

می‌بینی؟!

**أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟!**

یا چگونه دم سوزان آتش، او را فرا گیرد، و حال آنکه تو از ناتوانی اش خبر داری؟!

**أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟!**

یا چگونه بین طبقات دوزخ به این سو و آن سو رود، در حالی که تو از صدق ادعای او آگاهی؟!

**أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّاهُ؟!**

یا چگونه دوزخ بانان او را برانند، و حال آنکه ندای «یا رب» او بلند است؟!

**أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا؟!**

یا چگونه ممکن است برای رهایی اش از دوزخ به فضل تو امید داشته باشد و تو او را در آنجا به حال

خود واگذاری؟!

**هِيَاهُ مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ**

هیاهات که چنین نیست و به تو چنین گمانی نمی‌رود!

**وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ**

و این چیزی نیست که از فضل تو شناخته شده باشد

**وَلَا مُشَبَّهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُؤَحِّدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَإِحْسَانِكَ**

و این با رفتاری که از نیکی و احسانت با موحدین داشته‌ای، شباهتی ندارد

**فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَادِيكَ**

بنابراین من یقین دارم اگر به عذاب منکران حکم نکرده بودی

**وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ**

و قضای حتمی تو بر جاودانگی عذاب معاندان تعلق نگرفته بود

**لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلَامًا**

همه آتش دوزخ را سرد و سلامت می‌گردانیدی

**وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأٌ وَلَا مَقَامًا**

و برای هیچ‌کس در جهنم منزل و جایگاهی وجود نداشت

**لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ**

اما تو ای خدایی که نام‌هایت مقدس است

**أَقْسَمْتُ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ**

سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از همه کافران جن و انس پُر کنی

**وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ**

و معاندان و ستیزه‌جویان را در آن تا ابد ماندگار سازی

**وَأَنْتَ جَلَّ تَنَافُوكَ قُلْتَ مُبْتَدَأً**

و هم تو که ثنایت پُرشکوه باد، پیشاپیش فرمودی

**وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا:**

و به این انعام از روی بزرگواری تفضل نمودی [که فرمودی]:

**﴿أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ۗ لَا يَسْتَوُونَ﴾**

﴿آیا آن کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟! [هرگز چنین نیست] یکسان نیستند!﴾

**إِلَهِي وَسَيِّدِي**

ای معبود و آقای من

**فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا**

پس از تو درخواست می‌کنم به‌حق آن قدرتی که مقدر کردی

**وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا**

و به‌حق آن قضایی که آن را حتمی و قطعی نمودی

**وَعَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا**

و بر آن کس که قضایت را در حق او جاری کردی، غلبه پیدا کردی

**أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ**

[می‌خواهم] که در این شب و در این ساعت، بر من ببخشی

**كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ**

هر جرمی را که انجام داده‌ام

**وَكُلَّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتُهُ**

و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام

**وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ**

و هر زشتی‌ای را که پنهان داشته‌ام

**وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ**

و هر نادانی‌ای را که به کار گرفته‌ام

**كَمَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ**

چه آن را پنهان داشتم یا اینکه آشکار نمودم

**أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ**

چه مخفی داشتم و چه عیان ساختم

**وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ**

و [بر من ببخش] هر کار ناپسندی را که به فرشتگان ارجمندت امر نمودی تا آن را ثبت کنند

**الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي**

کسانی که آنها را گماشتی تا هرچه را از من سر می‌زند، ثبت نمایند

**وَجَعَلْتَهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي**

و آنها را به همراه اعضای بدنم، علیه من گواه قرار دادی

**وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ**

و از پس آنان نیز تو خود ناظر [احوال] من بودی

**وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ**

چیزهایی را شاهد بودی که از ایشان نیز پنهان مانده بود!

**وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ**

اما تو به رحمت خویش آنها را مخفی نگه داشتی

**وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ**

و به فضل خود پوشاندی

**وَأَنْ تُؤَفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ**

و [از تو می‌خواهم] از هر خیری که فرو فرستاده‌ای، نصیب مرا فراوان گردانی

**أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ**

یا از هر احسانی که [بر بندگان] تفضل نموده‌ای

**أَوْ بِرِّ نَشَرْتَهُ**

یا از هر نیکی‌ای که پراکنده ساخته‌ای

**أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ**

یا از هر روزی‌ای که گسترده‌ای

**أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ**

یا از هر گناهی که می‌آمرزی

**أَوْ خَطَاً تَسْتُرُهُ**

یا هر خطایی که می‌پوشانی

**يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ**

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

**يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رَقِي**

ای معبود و آقای من، و ای سرور و صاحب‌اختیار من!

**يَا مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَتِي**

ای آنکه زمام امور من به‌دست اوست

**يَا عَلِيماً بِضُرِّي وَمَسْكِنَتِي**

ای دانا به بیچارگی و بی‌نوایی من

**يَا خَبِيراً بِفَقْرِي وَفَاقَتِي**

ای آگاه از فقر و تهی دستی من

**يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ**

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

**أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ**

به حقّ خودت، و به ذات مقدّست

**وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ**

و به حقّ عظیم‌ترین صفات و اسامی‌ات درخواست می‌کنم

**أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً**

که اوقات شب و روز مرا با یاد خودت آباد گردانی

**وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً**

و پیوسته در خدمت‌گزاری خودت قرار دهی

**وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً**

و اعمالم را مقبول درگاهت بگردانی

**حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِزْقاً وَاحِداً**

تا اعمال و اوراد من همه، یک‌جا و یک‌جهت [برای تو] باشد

**وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَداً**

و حالم تا ابد پیوسته در خدمت تو باشد

**يَا سَيِّدِي**

ای آقای من

**يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي**

ای آن که تکیه من بر اوست

**يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي**

ای آن که شکایت حالم را فقط به سوی او می‌برم

**يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ**

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من!

**قَوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي**

اعضای تنم را در خدمت به خودت نیرومند کن

**وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي**

و دلم را بر عزم و همت استوار ساز

**وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشْيَتِكَ**

و جدیّت در ترس از خودت را به من عنایت فرما

**وَالدَّوامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ**

و همیشه مرا در خدمت خودت قرار بده

**حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ**

تا در عرصه پیشتازان به سویت روان باشم

**وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ**

و در زمره پیشگامان به سمت تو بشتابم

**وَأَشْتَقَ إِلَىٰ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَقِينَ**

و در جمله مشتاقان به قرب تو اشتیاق بورزم

**وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ**

و مانند مخلصین و رهایی یافتگان به تو نزدیک شوم

**وَأَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ**

و مثل اهل یقین از تو بترسم

**وَأَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ**

و با مؤمنان در جوار تو گرد آیم

**اللَّهُمَّ وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ**

خداوندا، هر کس شر مرا بخواهد، بدش را بخواه

**وَمَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ**

و هر کس با من حيله ورزد، با او حيله بورز

**وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ**

و مرا از بهره‌مندترین بندگان در نزد خودت قرار بده

**وَأَقْرِبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ**

و از مقرب‌ترین آنها در پیشگاهت قرار بده

**وَأَخْصِهِمْ رُفْقَةً لَدَيْكَ**

و از مخصوص‌ترین خاصان درگاهت قرار بده

**فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ**

زیرا جز با فضل تو به این [جایگاه]ها نمی‌توان دست یافت

**وَجُدْ لِي بِجُودِكَ**

و با جود و بخشش به من ببخش

**وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ**

و با مجد و بزرگی‌ات به من توجه کن

**وَأَحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ**

و به رحمت خویش مرا حفظ فرما

**وَأَجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجاً**



و ذکر خود را ورد زبانم ساز

**وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتِمِّمًا**

و قلبم را با محبتت و اله و شیدا گردان

**وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ**

و با اجابت نیکویت، بر من منت بگذار

**وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي**

و لغزشم را نادیده گیر

**وَأَغْفِرْ زَلَّتِي**

خطایم را ببخش

**فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ**

چرا که تو خود بر بندگان، به پرستش خویش حکم نمودی

**وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ**

و فرمان دادی تا تو را بخوانند

**وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ**

و خود نیز اجابت دعای آنان را ضمانت کردی

**فَإِلَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي**

پس اینک ای پروردگار من، تنها روی به سوی تو آوردم

**وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي**

و دستم را فقط به جانب تو دراز کردم

**فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي**

پس به عزتت سوگند، که دعای مرا اجابت کن

**وَبَلِّغْنِي مُنَايَ**

و مرا به آرزویم برسان

**وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي**

و امیدم را از فضل خویش ناامید نکن

**وَإِكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي**

و مرا از گزند دشمنان جن و انس، محافظت فرما

**يَا سَرِيعَ الرَّضَا**

ای خدایی که زود خشنود و راضی می شوی

**اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ**

ببخش بنده‌ای را که جز دعا چیزی ندارد

**فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ**

که قطعاً تو هر چه را بخواهی انجام می دهی

**يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ**

ای آن که نامش دواست

**وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ**

و ای آن که یادش شفاست

**وَطَاعَتُهُ غِنَى**

و ای کسی که فرمانبرداری از او، بی نیازی است

**ارْحَمَ مَنْ رَأَى مَالِهِ الرَّجَاءُ**

رحم کن بر کسی که سرمایه اش امید به توست

**وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ**

و سلاح او گریه و زاری است

**يَا سَابِغَ النِّعَمِ**

ای گستراننده نعمت های بسیار

**يَا دَافِعَ النِّقَمِ**

ای دور کننده بلاها

**يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ**

ای روشنی تنهایی و حشت زدگان در تاریکی ها

**يَا عَالِمًا لَا يُعَلَّمُ**

ای دانای ناآموخته

**صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**

بر محمد و آل محمد درود فرست

**وَأَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ**

و با من چنان رفتار کن که لایق حضرت توست

**وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَنْمَةِ الْمَيَامِينَ مِنْ آلِهِ**

و درود خدا بر فرستاده اش و بر امامان خجسته از خاندانش

**وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا**

و سلام فراوان بر ایشان باد.